



اقتصاد ایران در شرایط بحران: ضرورت اصلاحات ساختاری و تقویت گردش نقدینگی

یونس ژائله، رئیس اتاق بازرگانی تبریز طی یادداشتی تأکید می‌کند که اقتصاد ایران امروز در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ معاصر خود قرار گرفته است؛ مقطعی که هم‌زمان با فشارهای درونی ناشی از تورم ساختاری، کسری بودجه، رکود و چالش‌های ارزی، و نیز بحران‌های بیرونی همچون جنگ ۱۲ روزه با رژیم صهیونیستی، ضرورت بازنگری و اصلاحات بنیادین در سیاست‌های اقتصادی کشور را دوچندان کرده است. در این میان، یکی از مسائل کمتر دیده‌شده اما تعیین‌کننده، کاهش سرعت گردش پول در اقتصاد است؛ شاخصی که اگر مورد توجه قرار نگیرد، می‌تواند زمینه‌ساز انسداد نقدینگی و توقف فعالیت‌های تولیدی و تجاری شود.

در متن یادداشت چنین آمده است: "اقتصاد ایران در یکی از پرتنش‌ترین و پیچیده‌ترین مقاطع تاریخ خود قرار دارد. از یک سو تورم ساختاری، رکود فراگیر، کسری بودجه و چالش‌های مربوط به منابع ارزی کشور، و از سوی دیگر حوادث بیرونی مانند جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم غاصب صهیونیستی، نشان داد که وضعیت فعلی اقتصاد نیاز به اصلاحات اساسی در سازوکارهای اقتصادی و سیاست‌گذاری دارد. در میان همه این چالش‌ها، یکی از شاخص‌های کمتر مورد توجه اما بسیار تعیین‌کننده، کاهش چشمگیر سرعت گردش پول در اقتصاد کشور است؛ پدیده‌ای که اگر به درستی مدیریت نشود، می‌تواند به انسداد کامل جریان نقدینگی و فلج شدن فعالیت‌های اقتصادی منجر شود.

سرعت گردش پول، بیان‌گر تعداد دفعاتی است که یک واحد پول در یک دوره زمانی معین برای خرید کالا و خدمات مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شاخص به طور مستقیم منعکس‌کننده سطح پویایی اقتصادی، میزان اعتماد عمومی، حجم سرمایه‌گذاری و مصرف در اقتصاد است. در شرایطی که این شاخص کاهش یابد، به معنای حبس منابع نقدی، کندی در تبادل کالا و خدمات، و افت بازدهی سرمایه خواهد بود. با افزایش نقدینگی در اقتصاد و کاهش سرعت گردش پول، رکود تدریجی در ایران تشدید خواهد شد. جنگ اخیر میان ایران و رژیم صهیونیستی به عنوان نمونه‌ای عینی از وضعیت اضطراری، به خوبی نشان داد که یک برنامه‌ی عملیاتی منقطع برای پویا نگه داشتن اقتصاد ایران نیاز است. در چنین شرایطی، تعامل و هماهنگی میان دولت و بخش خصوصی نه تنها یک انتخاب، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. اگر این هماهنگی به صورت سیستمی و هدفمند صورت گیرد، می‌تواند منجر به آزادسازی جریان نقدینگی، کاهش گلوگاه‌های اقتصادی، و تقویت انعطاف‌پذیری اقتصاد ملی در برابر بحران‌ها شود. بررسی‌های صورت گرفته از فعالان اقتصادی در استان آذربایجان شرقی در بازه‌ی زمانی جنگ و یک ماه بعد از جنگ نشان داد که بخش خصوصی در حال حاضر با چالش‌های چندلایه‌ای مواجه است که مستقیماً بر کاهش سرعت گردش پول اثر می‌گذارد. از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به محدودیت در دسترسی به منابع مالی، فشارهای مالیاتی شدید، پیچیدگی فرآیندهای بازرگانی، محدودیت‌های ارزی، ضعف در زیرساخت‌های حمل‌ونقل و انرژی، و بروکراسی مزمن در حوزه‌ی صادرات و واردات اشاره کرد. این عوامل نه تنها فعالیت اقتصادی را کند کرده‌اند، بلکه باعث شده‌اند منابع پولی در گلوگاه‌های متعددی گیر کنند و از حرکت باز بمانند.

در حوزه‌ی مالی، فشارهای پیوسته از سوی سازمان تأمین اجتماعی و نهادهای مالیاتی، بنگاه‌ها را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. در شرایط بحرانی مانند جنگ ۱۲ روزه، بسیاری از واحدهای تولیدی مجبور به تعطیلی یا کاهش فعالیت شدند و فروش و درآمد آنها به شدت افت کرد. پرداخت هزینه‌های ثابت بیمه و مالیات در چنین شرایطی، فشار مالی مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد کرد که توان آنها را برای ادامه‌ی فعالیت کاهش داد. این مسئله نه تنها موجب تشدید تورم شد، بلکه رکود تولید را عمیق‌تر کرد. بنابراین، ضروری است که سازمان تأمین اجتماعی و نهادهای مالیاتی در دوران بحران، برنامه‌های منعطف و حمایتی تدوین کنند که علاوه بر جلوگیری از کاهش تولید، به تحریک و حفظ فعالیت‌های تولیدی کمک کند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل تعلیق موقت پرداخت‌ها، تسهیل در فرآیندهای اداری و ارائه‌ی مشوق‌های مالیاتی برای بنگاه‌های فعال باشند تا جریان نقدینگی در چرخه‌ی اقتصادی حفظ شود. در نظام بانکی نیز ناکارآمدی‌های گسترده‌ای وجود دارد. تمرکز منابع در اختیار دولت و شرکت‌های شبه دولتی، سخت‌گیری در اعطای تسهیلات، و نبود تنوع در ابزارهای تأمین مالی، موجب شده است که بخش خصوصی نتواند به موقع به منابع مالی دست یابد. این امر، منجر به تأخیر در خرید مواد اولیه، انجام تعهدات مالی و در نهایت توقف یا کند شدن فرآیند تولید و عرضه شده است. توسعه‌ی بازار سرمایه، گسترش صندوق‌های سرمایه‌گذاری منطقه‌ای، و طراحی سیستم‌های تأمین مالی خرد، از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند این گره را باز کنند. در حوزه‌ی سیاست ارزی، نظام چندنرخه‌ی و فرآیند پیچیده‌ی رفع تعهدات ارزی، باعث کندی در واردات مواد اولیه و تجهیزات و افزایش هزینه‌های سربار تولید شده‌اند. علاوه بر آن، تخصیص غیرشفاف ارز و تغییرات پی‌درپی در مقررات، فضای پیش‌بینی‌پذیری را از فعالان اقتصادی سلب کرده و موجب انجماد نقدینگی در زنجیره‌ی تولید و تجارت شده است. سیاست‌گذاران باید در جهت روان‌سازی جریان ارز، افزایش شفافیت، و طراحی نظامی باثبات و کارآمد گام بردارند. زیرساخت‌های حمل‌ونقل و انرژی به عنوان پیش‌شرایط فیزیکی گردش کالا و پول، در وضعیت نامناسبی قرار دارند. ضعف زیرساخت‌های ریلی، جاده‌ای و بندری، فرسودگی ناوگان حمل‌ونقل، قطعی‌های مکرر برق، موجب افزایش هزینه‌های مبادله، کاهش سرعت تحویل کالا، و در نتیجه افت سرعت گردش پول شده‌اند. از سوی دیگر، پیچیدگی و کندی در فرآیندهای بازرگانی و گمرکی، به یکی از عوامل بازدارنده در تحرک تجاری کشور تبدیل شده است. تأخیر در صدور مجوزها، اختلال در سامانه‌های ثبت سفارش، و کندی در ترخیص کالا، موجب افزایش هزینه‌های انبارداری و کاهش مزیت رقابتی بنگاه‌ها شده‌اند. این عوامل به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر سرعت گردش کالا و پول تأثیر منفی گذاشته‌اند. ایجاد پنجره‌ی واحد تجاری، ارتقاء سامانه‌های دیجیتال، و تفویض اختیار به مدیران استانی از جمله اصلاحاتی است که می‌تواند کارایی زنجیره‌های تجاری را بهبود بخشد.

در واکنش به این وضعیت، اتاق بازرگانی تبریز به عنوان حلقه‌ی واسط میان دولت و بخش خصوصی، اقدام به تهیه و تدوین پروتکل جامع اولیه کرده که هدف آن، تسهیل فرآیندها، کاهش تأخیرها، و افزایش سرعت گردش پول در تمامی زنجیره‌های اقتصادی است. این پروتکل، صنایع را به سه سطح اولویت تقسیم کرده است:

صنایع حیاتی مانند غذا، دارو و تجهیزات پزشکی که استمرار فعالیت آن‌ها برای امنیت ملی حیاتی است.

صنایع اشتغال‌زا و ارزآور مانند فولاد، نساجی، و قطعه‌سازی که توان تحریک تقاضا و ایجاد ارز را دارند.

صنایع کم‌ریسک یا قابل تعویق که در شرایط بحران می‌توان فعالیت آن‌ها را به تعویق انداخت.

این طبقه‌بندی به دولت کمک می‌کند تا در تخصیص منابع مالی و ارزی، اولویت بندی مؤثر و کارآمدی انجام دهد. اتاق تبریز با استفاده از اختیارات تفویض شده به مدیران استانی، اقدامات مؤثرتری برای تسهیل در تمدید اقساط تسهیلات بانکی، تخصیص منابع مالی فوری، و تسریع در پرداخت خسارت‌های بیمه‌ای انجام داده است. این اقدامات، فضای تنفسی برای بنگاه‌ها ایجاد کرده و موجب افزایش گردش داخلی نقدینگی شده‌اند. همچنین در بخش خدمات، با حمایت از مشاغل آسیب‌پذیر، تمدید مهلت‌های مالی، و تقویت بیمه‌ی بیکاری، نقش مؤثری در حفظ تقاضای مصرفی ایفا شده است. در حوزه‌ی صادرات، شناسایی کالاهای دارای مزیت رقابتی، تسهیل فرآیندهای صادراتی، و تعامل نزدیک با ستاد اقتصادی استان، به حفظ جریان صادرات حتی در شرایط بحرانی کمک کرده‌اند. در این میان، بازگشت سریع ارز حاصل از صادرات و تقویت اعتماد صادرکنندگان، از

عوامل کلیدی در تسریع گردش مالی بوده اند. بانک مرکزی باید با اتخاذ سیاست های پویا و تطبیقی، نقش فعال تری در افزایش سرعت گردش پول ایفا کند. این امر نه تنها از طریق تزریق هدفمند نقدینگی، بلکه از مسیر تسهیل دسترسی بنگاه ها به منابع مالی، تخصیص ارز ترجیحی برای کالاهای ضروری، و تمدید تعهدات ارزی میسر خواهد بود. وزارت امور اقتصاد و دارایی نیز باید نقش هماهنگ کننده را در میان گمرک، بانک مرکزی، و وزارت صمت ایفا کند تا از حبس کالا و نقدینگی در مبادی گمرکی جلوگیری شود. تعلیق الزام به شناسه ی کالا، کاهش بوروکراسی گمرکی، و تسریع ترانزیت، از اقداماتی هستند که در شرایط اضطراری مانند جنگ اخیر، می توانند ضربه گیر مؤثری برای اقتصاد باشند. سازمان امور مالیاتی نیز باید رویکرد خود را از درآمدمحور به احیاگر اقتصادی تغییر دهد. مشوق های مالیاتی برای پرداخت های زود هنگام، توقف موقت اجرای احکام در شرایط اضطرار، و ارائه برنامه های بازپرداخت منعطف، از جمله اقداماتی است که می تواند گردش پول را تسریع کند. در نهایت، آنچه در بحران هایی مانند جنگ ۱۲ روزه میان ایران و رژیم صهیونیستی روشن شد، این است که نظام اقتصادی کشور در برابر شوک ها آسیب پذیر است. تنها با بازطراحی سیاست های عمومی، تقویت هماهنگی میان نهادها، و آزادسازی نقدینگی از گلوگاه های اجرایی، می توان اقتصاد را از وضعیت رکود خارج کرد. این اصلاحات باید سیستمی، هدفمند و مشارکت محور باشند و با اعتمادسازی در جامعه همراه شوند. کلید خروج از وضعیت فعلی، در تسریع تصمیم گیری، هماهنگی میان نهادی، و روان سازی محیط فعالیت اقتصادی نهفته است. تنها در این صورت است که می توان اقتصاد ایران را از انجماد به تحرک، از رکود به رشد، و از بحران به ثبات سوق داد.

در شرایط بحران اقتصادی و به ویژه در مواقع اضطراری مانند جنگ، نقش مدیران استانی در مدیریت امور اقتصادی و حمایت از فعالان بخش خصوصی بسیار حیاتی و تعیین کننده است. این مدیران به عنوان نمایندگان عالی دولت در استان ها مسئول اتخاذ تصمیمات سریع، کارآمد و متناسب با شرایط ویژه هستند تا بتوانند از تشدید آسیب ها جلوگیری کرده و روند تولید و تجارت را تا حد امکان حفظ کنند. برای این منظور، به مدیران استانی اختیارات و وظایف مشخصی تفویض شده است تا بتوانند در حوزه هایی چون تسهیل در امور بانکی، تخصیص منابع مالی فوری، تسریع در پرداخت خسارت های بیمه ای، رفع موانع اداری و تسهیل روندهای تجاری، اقدامات مؤثر و به موقع انجام دهند. این تفویض اختیار به مدیران استانی، بستری فراهم می کند تا با انعطاف پذیری و سرعت عمل بیشتر، پاسخ مناسبی به شرایط اضطراری داده و حمایت های لازم از بنگاه های اقتصادی را به انجام رسانند.

اتاق بازرگانی تبریز با بهره گیری از این اختیارات تفویض شده به مدیران استانی، درصدد است برنامه ای هدفمند و عملیاتی را برای رونق تولید و مدیریت شرایط بحرانی تدوین و اجرا کند. این برنامه با محوریت تسهیل جریان نقدینگی، حمایت از بخش های آسیب پذیر، تسریع فرآیندهای مالی و صادراتی، و بهبود فضای کسب و کار طراحی شده است. این همکاری و هماهنگی نزدیک میان بخش خصوصی و دولتی، در قالب اجرای پروتکل جامع تدوین شده توسط اتاق بازرگانی تبریز، نقش کلیدی در افزایش سرعت گردش پول، کاهش موانع تولید و خروج اقتصاد استان از وضعیت رکود ایفا می کند. بدین ترتیب، با استفاده از ظرفیت های تفویض اختیار و همکاری مؤثر بین نهادهای دولتی و فعالان اقتصادی، می توان گامی مؤثر در جهت پایداری و رشد اقتصادی در شرایط بحرانی برداشت."